



پرچمی که در هفت تپه
به اهتزاز در آمد!

سازمان فدائیان (اقلیت)

پرچمی که در هفت تپه
به اهتزاز در آمد!

کار، نان، آزادی
حکومت شورائی

حکومت شورائی، آلترناتیو کارگران و زحمتکشان است!

هواداران سازمان فدائیان (اقلیت)



کارگر زندانی.

زندانی سیاسی.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران
سراسر ایران!

هواداران سازمان فدائیان (اقلیت)

آزاد باید گردد!



فهرست مطالب:

زنده باد تشکل مستقل کارگری پاینده باد مبارزات کارگران هفت‌تپه
صفحه ۳

هفت‌تپه، یک پیروزی نسبی و ضرورت آمادگی برای نبردهای بزرگ‌تر
صفحه ۹

شکست محتوم تاکتیک‌های طبقه حاکم در قبال مبارزات فولاد و هفت‌تپه
صفحه ۱۴

پرچمی که در هفت‌تپه به اهتزاز درآمد!
صفحه ۲۱

زنده باد تشکل مستقل کارگری پاینده باد مبارزات کارگران هفت‌تپه

یک سال مبارزه پیگیر و اعتصاب‌های مکرر کارگران هفت‌تپه که هر بار با مشتی وعده پوچ و تکراری موقتا دچار وقفه می‌شد، تا واپسین روزهای سال ۹۶ ادامه یافت. هفت‌تپه با وعده‌های دروغ کارفرما، احضارها و بازداشت‌های گسترده و بازجویی کارگران پیشرو و برخی فعالان سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه به سال ۹۷ پا گذاشت. دستمزد بهمن و اسفند، پاداش و عیدی مطالباتی بود که طبق وعده کارفرما، پرداخت آن می‌بایستی از نخستین روز کاری سال ۹۷ آغاز گردد که باز هم به آن عمل نشد.

کارگران هفت‌تپه و سندیکای آن‌ها می‌دانستند و آموخته بودند که جز با اتحاد و اعتصاب و مبارزه متشکل نمی‌توانند حق خود را بگیرند. بنابراین راهی جز اعتصاب و مبارزه وجود نداشت بویژه آن‌که شایعه فروش زمین‌های کشاورزی نیز قوت گرفته بود. هفت فروردین، هفت‌تپه وارد اعتصاب شد. بعدازظهر همان روز مدیریت سعی در بارگیری شکر موجود در انبار شرکت را داشت که کارگران جلو این کار و خروج شکر را گرفتند. هشت فروردین اعتصاب همه بخش‌های شرکت را فرا گرفت. وقتی کارفرما و سایر مسئولین شرکت از توجه و پاسخ به خواست‌های کارگران امتناع کردند، کارگران به سمت «کوی ایلام» و محل مسکونی «رستمی» و «اسد بیگی» و سایر مسئولین شرکت دست به راهپیمایی زدند. بادیگاردها و محافظان مسلح این دو با کارگران درگیر شدند و حتا به سوی آن‌ها تیراندازی کردند. کارگران در ادامه اعتراضات خود، نهم فروردین در برابر فرمانداری دست به تجمع زدند که شماری از کارگران بازداشت شدند و در همان حال که معاون فرماندار و همدست کارفرما، وعده‌هایی به کارگران می‌داد، همدست دیگر او در دادستانی شوش برای حدود ۲۰ کارگر اخطار کتبی می‌فرستاد! کارگران احضار شده صبح روز مقرر (۱۱ فروردین) به دادستانی شوش مراجعه کردند که به آن‌ها گفته شد دادستانی تعطیل است، اما بعدازظهر همانروز نیروهای انتظامی و امنیتی با ادعای عدم حضور کارگران در دادستانی و با در دست داشتن حکم جلب کارگران، تعدادی از کارگران پیشرو و فعالان اعتراضات کارگری هفت‌تپه را در محل شرکت و تعداد دیگری را در محل سکونت‌شان بازداشت کردند.

این بازداشت‌ها و دستگیری‌ها روز بعد نیز ادامه یافت. مدیریت شرکت همچنین در یک لیست اسامی، ۲۰ تن از کارگران را ممنوع‌الورود اعلام کرد و باشیوه‌های گوناگونی تلاش کرد میان

کارگران تفرقه ایجاد کند. شمار زیادی از فعالان و اعضای سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه جزو احضار شده‌ها، بازداشتی‌ها و ممنوع‌الورودی‌ها بودند.

سرانجام پس از این سرکوب‌های گسترده، کوره بخار به زور سرنیزه و نیروی انتظامی در ۱۲ فروردین روشن شد!

مدیریت شرکت و همدستان آن در دستگاه‌های عریض و طویل دولتی، از جمله نیروهای انتظامی و امنیتی، بر این خیال بودند که بعد از سرکوب و خشونت و وحشی‌گری و بیرحمی علیه کارگران و بعد از بازداشت‌ها و احضارهای گسترده، قادرند کارگران را مرعوب و به تمکین وادار سازند. اما این نخستین بار نبود که کارگران هفت‌تپه مشمول سرکوب و احضار و بگیر و ببند می‌شدند. مدیریت شرکت و سرکوبگران حامی آن شاید هنوز نمی‌دانند گذشته است آن زمانی که شاید می‌شد کارگران هفت‌تپه را با این اقدامات مرعوب ساخت و یا میان آن‌ها تفرقه انداخت.

کارگران هفت‌تپه متحدند و تا حد امیدوارکننده‌ای توسط تشکل مستقل خود متشکل شده‌اند. کارگر متشکل را نمی‌توان مرعوب ساخت و از میدان بدر کرد. کما این که به رغم روشن کردن کوره بخار توسط نیروی انتظامی شوش، کارگران شیفت بعدازظهر همان روز، از حضور در محل کار خودداری کردند. گرچه هر ده کارگر بازداشتی که به زندان دزفول منتقل شده بودند با سپردن وثیقه و فیش حقوقی موقتاً آزاد شدند، اما مانند نماینده کارگران اسماعیل بخشی، حق ورود به شرکت را ندارند. بنابراین مبارزه به خاطر دستمزدهای عقب‌افتاده، برای رفع بازداشت‌ها، لغو احکام جلب کارگران، برداشتن منع ورود کارگران، بازگشت به کار همه کارگران و پایان پرونده‌سازی و پیگردهای قضایی و امنیتی در هفت‌تپه ادامه دارد. یک خواست مهم کارگران هفت‌تپه، بازگرداندن مالکیت و اداره امور شرکت به بخش دولتی‌ست و تا این خواست محقق نشود، کشت و صنعت هفت‌تپه روی آرامش به خود نخواهد دید.

سرکوب خشونت‌بار توأم با احضارها و بازداشت‌های گسترده، یک بار دیگر خصومت ذاتی کارفرما و مدیریت شرکت نیشکر هفت‌تپه با کارگران پیشرو و تشکل مستقل کارگران هفت‌تپه را نشان داد. احضار و پیگرد و بازداشت کارگران پیشرو هفت‌تپه البته موضوع تازه‌ای نیست. حتی پیش از اعلام موجودیت سندیکا در آبان ۸۷، پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران هفت‌تپه که در جمع‌ها و کمیته‌های خود متشکل شده بودند و بعداً خود از موسسین سندیکا و عضو هیات مدیره آن بودند، در معرض پیگرد و آزار دائمی نیروهای امنیتی قرار داشتند. با این همه انکار نمی‌توان کرد ایجاد تشکل مستقل و توده‌ای و اعلام موجودیت سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه خار درستی بود در چشم مدیریت شرکت و صاحبان سرمایه. ده سال پیش تلاش‌های مذبحخانه صاحبان سرمایه و حامیان دولتی آن‌ها و توطئه مدیریت برای جلوگیری از شکل‌گیری این سندیکا به‌جایی نرسید. اقدامات سرکوب‌گرانه بعدی آن‌ها برای از هم پاشاندن و قلع و قمع سندیکا نیز با شکست روبرو شده است. تشکلی که توسط خود کارگران پایه‌ریزی و ایجاد شد در پرتو

فعالیت کارگران آگاه و حمایت توده کارگران به رغم تلفات و افت وخیزهایش دوام آورد. این سندیکا در طول ده سالی که از فعالیت آن می‌گذرد توانسته است تأثیرات بسیار مثبتی نه فقط در میان کارگران هفت‌تپه و مبارزات آن‌ها و آگاه‌سازی و تشکلیابی کارگران برجای بگذارد، بلکه این تأثیرات مفید و مثبت در مقیاس کل جنبش کارگری نیز تعمیم یافته است. تجربه این ده سال نشان داده است که کارگران هفت‌تپه به اهمیت تشکل در نقطه تولید و حفظ آن و به اهمیت مبارزه متشکل پی‌برده‌اند. هزاران کارگر کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، رسمی یا غیررسمی عضو این سندیکا هستند، برگرد آن حلقه زده‌اند و در برابر هجوم سرمایه و عمال دولتی آن، از سندیکا و رهبران آن حمایت می‌کنند. اگر مبارزات متشکل کارگران هفت‌تپه استمرار یافته و تا بدان حد پیش رفته است که امروز زنان کارگر همدوش مردان وارد صحنه مبارزه شده‌اند و اگر در این شرکت آگاهی سیاسی کارگران و گرایش به کنترل کارگری و اداره امور کارخانه پدیدار و تقویت شده است، همه در پرتو کار آگاه‌گرانه و متشکل کارگران پیشرو است. همین قضاوت و ارزیابی عینا در مورد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نیز صادق است. در حال حاضر فشارها و پیگردهای امنیتی و پلیسی علیه کارگران آگاه و پیشرو هفت‌تپه و فعالان سندیکا، تشدید شده است. این گروه از کارگران از همه سو تحت فشارند. اما در عوض توده‌های کارگر هفت‌تپه که همواره حامی و پشتیبان کارگران پیشرو و فعالان سندیکای خود بوده‌اند، هیچ‌گاه آن‌ها را تنها نگذاشته و تنها نمی‌گذارند چرا که آن‌ها در عمل به مضمون واقعی این گفته نغز پی برده‌اند که «کارگر منفرد هیچ است و کارگر متشکل همه چیز» دفاع از کارگران پیشرو، دفاع از تشکل و کار متشکل است، تنها با اتحاد و تشکل است که می‌توان بر پراکندگی مبارزات و اعتصابات کارگری غلبه کرد و سرمایه‌داران را در مقیاس بزرگتر و عمومی عقب راند. بنابراین، این موضوع حائز اهمیت جدی‌ست که کارگران در تمام واحدهای تولیدی و خدماتی متشکل شوند و مبارزات متشکلی را سازمان دهند. چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است.

اما در شرایطی که دیکتاتوری عریان و استبداد مذهبی بر جامعه حاکم است، در شرایطی که سندیکا و هر گونه فعالیت مستقل توده‌ای سندیکایی غیرقانونی است، در شرایطی که ارتجاع حاکم حق آزادی تشکل را به رسمیت نمی‌شناسد و اجازه شکل‌گیری و فعالیت علنی و توده‌ای این‌گونه تشکل‌ها را نمی‌دهد، و در شرایطی که فعالان سندیکا را به اتهام‌های واهی به زندان و حبس‌های طولانی مدت محکوم می‌کند، بدیهی‌ست که کارگران دست روی دست نگذارند و به اشکال دیگری از سازماندهی روی آورند. اگر که ارتجاع حاکم اجازه نداده و اجازه نمی‌دهد در کنار دو سندیکای کارگری هفت‌تپه و شرکت واحد، چهار و یا چهل سندیکای کارگری دیگر بوجود آید، در عوض کارگران پیشرو نیز راه‌های دیگری برای تشکل شدن کارگران جستجو کرده و به آن عمل کرده‌اند. هر کارگر پیشرو و هر فعال کارگری تنها بر پایه شرایط عینی

محیط کار خویش و البته با استفاده از تجارب جنبش کارگری، دست به کار ایجاد آن نوعی از تشکل می‌شود که با شرایط مشخص جامعه منطبق باشد. اگر راه فعالیت علنی و توده‌ای بر او مسدود گردد، کسی اما نمی‌تواند مانع فعالیت مخفی وی شود. بنابر این ایجاد تشکل در نقطه تولید و تلفیق مناسبی از فعالیت علنی، نیمه علنی و مخفی شرط دوام و بقا تشکل کارگری در محیط کار است. کمیته‌های مخفی کارخانه که متشکل از آگاه‌ترین و پیشروترین کارگران است، مناسب‌ترین شکل تشکل کارگری در شرایط حاضر و مشخص ایران است. تردیدی در این مساله وجود ندارد که به نسبت اعتلاء بیشتر جنبش کارگری، جنبه‌های مخفی فعالیت این کمیته‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود و در موقعیت انقلابی یا زمانی که آزادی‌های سیاسی بر حاکمیت تحمیل شده باشد و ضد انقلاب حاکم از کنترل جامعه و سلطه بر آن ناتوان گردد، به کلی ناپدید می‌شود. در هر حال این فاکتوری است که تا حد زیادی تابع توازن قوا خواهد بود. تجربه فعالیت مبارزاتی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و سندیکای کارگران شرکت واحد نیز گویای این واقعیت است که پس از سرکوب‌های گسترده و تلفات سنگینی که رژیم سرکوبگر و آزادی‌کش جمهوری اسلامی بر این دو سندیکا و فعالان آن وارد ساخت، پرهیز از علنی‌کاری صرف و تمام عیار و گرایش به مخفی‌کاری و نیز حفظ و احیای کمیته‌های کارگری در بیرون و یا حتا در درون سندیکا تقویت شده است.

کمیته‌های مخفی نه فقط در شرایط امروز و محرومیت کارگران از آزادی‌های سیاسی قادرند مبارزات کارگران را حول مسائل مشخص و مطالبات روزمره و بی‌واسطه آنان سازمان داده و متشکل سازند، بلکه به دلیل ساختار انعطاف‌پذیرشان می‌توانند پاسخگوی چشم‌انداز متحول جنبش انقلابی نیز باشند.

نیازی به گفتن نیست که کمیته‌های کارخانه در شرایط خفقان و سرکوب کنونی نمی‌توانند به تشکل توده‌ای کارگری تبدیل شوند. اما در شرایط اعتلاء بیشتر مبارزه، این مانع از پیش پای کارگران برداشته می‌شود و این تشکل‌ها با ایجاد پیوند میان خود به تشکل‌های توده‌ای طبقه کارگر تبدیل می‌شوند.

در عین حال نبایستی این نکته را از نظر دور داشت در حالی که اتحادیه‌های کارگری عموماً مبارزه طبقه کارگر را در دایره مناسبات بورژوایی موجود محدود می‌سازند، کمیته‌های کارخانه از این خصوصیت برخوردار هستند که مبارزات و مطالبات طبقه کارگر را عمق و وسعت بخشند و علاوه بر مبارزه برای مطالبات روزمره و اقتصادی، پرچمدار مبارزه سیاسی شوند و در شرایط اعتلای انقلابی به کمیته‌های اعتصاب و شوراهای کارگری تبدیل شوند و مبارزات کارگری را نیز از چارچوب‌های بورژوایی فراتر برند. تجارب جنبش کارگری در مقیاس جهانی سرشار از این نمونه‌هاست. در جنبش کارگری ایران نیز ما شاهد بودیم که اعتصابات کارگران نفت در سال ۵۷، توسط همین کمیته‌های مخفی و کمیته‌های اعتصاب سازماندهی و هدایت شد و

از پیوند آن‌ها نیز کمیته اعتصاب سراسری نفت شکل گرفت که بعداً به شورای سراسری نفت تبدیل گردید.

لازم به ذکر است که تأکید بر کمیته‌های مخفی و تلفیق فعالیت علنی، نیمه علنی و مخفی، به معنای نفی و یا چشم‌پوشی از تشکل‌های علنی و نیمه علنی که توده‌های کارگر را در برگیرد نیست. همچنین سازمان ما به رغم تأکید بر کمیته‌های مخفی کارخانه همواره از هر تشکل مستقلی که توسط خود کارگران ایجاد شود - مستقل از هر نامی که داشته باشد- و در راه تحقق مطالبات کارگران مبارزه کند- از نمونه دو سندیکای کارگری در هفت‌تپه و شرکت واحد - حمایت نموده و حمایت خواهد کرد.

نقل از نشریه کار شماره ۷۶۸ بیست فروردین ۱۳۹۷

کار، نان، آزادی حکومت شورائی

حکومت شورائی، آلترناتیو کارگران و زحمتکشان است!

هواداران سازمان فدائیان (اقلیت)



هفت‌تپه، یک پیروزی نسبی و ضرورت آمادگی برای نبردهای بزرگ‌تر

دور اخیر اعتصابات و تجمعات کارگران شرکت کشت‌و‌صنعت نیشکر هفت‌تپه که از ۲۷ مرداد آغاز شده بود پس از ۱۵ روز با پیروزی کارگران این شرکت به پایان رسید. این پیروزی البته آسان بدست نیامد. مبارزه کارگران با موانع متعددی روبرو شد. کارفرما، مدیریت و دولت حامی آن‌ها برای درهم شکستن اعتصاب به شگردها و حرب‌های گوناگونی متوسل شدند. فرماندار و نماینده شوش در مجلس سعی کردند با وعده‌های توخالی کارگران را از ادامه اعتصاب منصرف سازند. استاندار خوزستان از پذیرش خواست کارگران امتناع ورزید. مدیریت و کارفرما و عوامل ریز و درشت آن‌ها حتی یک لحظه از تلاش و توطئه برای ایجاد نفاق و دودستگی در میان کارگران بازنیستادند. نمایندگان کارگران به بازداشت و زندان تهدید شدند. کارگران هفت‌تپه در بطن مبارزه طبقاتی بار دیگر به تجربه درمی‌یافتند که طرف حساب آن‌ها فقط کارفرما و مدیریت و حراست شرکت نیست، بلکه فرماندار، استاندار، نیروهای انتظامی و امنیتی و در واقع بلوکی از سرمایه‌داران و محافظان نظم سرمایه‌داری، در برابر آن‌ها صف‌آرایی کرده‌اند. کارگران اعتصابی و مبارز هفت‌تپه، می‌دیدند و می‌دانستند که نمی‌توانند گام کوچکی به سمت پیروزی و تحقق مطالبات خود بردارند، مگر آنکه متحد و متشکل، در صفی واحد و چون تنی واحد به مصاف با صف مقابل بروند. اجتماعات متعدد، بحث‌ها، مشورت‌ها، همفکری‌ها و گفتگوهای جمعی کارگران و سخنرانی‌های شورانگیز و آگاهی‌بخش اسماعیل بخشی و برخی دیگر از کارگران پیشرو در جمع اعتصاب‌کنندگان، همراه با استمرار اعتراض متشکل و حمایت یکپارچه‌ای که توده کارگران از نمایندگان خود به عمل آوردند، راه را بر تمام تلاش‌ها و ترفندهای صف مقابل برای درهم شکستن اعتصاب مسدود ساخت.

بی‌توجهی و بی‌اعتنایی اولیه کارفرما، مدیریت و دولت به اعتصاب و خواست‌های کارگران، تهدیدهای مکرر و اعمال فشارهای گوناگون علیه فعالان اعتصاب و استفاده از تاکتیک‌های گوناگون برای خسته‌کردن و فرسوده ساختن کارگران، هیچ‌کدام نتوانست در عزم و اراده کارگران به ادامه اعتصاب خللی وارد سازد. همه چیز حاکی از آن بود که قدرت اتحاد، ظرفیت و توانایی کارگران در اعتصاب و برای ادامه آن، نسبت به دوره‌های گذشته تقویت شده است. علاوه بر

سندیکای مبارز کارگران نیشکر هفت‌تپه، اکنون شورای مستقل کارگری که از دل مبارزات کارگران جوانه زده و ارتباط‌های مستقیم و گسترده و تنگاتنگی با کارگران در بخش‌های مختلف شرکت دارد، در بسیج کارگران و هدایت و راهبری اعتصاب نقش مهمی ایفا کرد.

به گفته اسماعیل بخشی یکی از نمایندگان کارگران هفت‌تپه، از حدود ۱۴ بخش کشت‌و صنعت نیشکر هفت‌تپه ۲۲ نفر و از میان آن‌ها ۹ نفر به عنوان یک هیئت‌مدیره انتخاب شده‌اند که فعالیت شورای مستقل کارگری هفت‌تپه را پیش می‌برند. ابتکار عمل کارگران و ایجاد شورای مستقل کارگری که مثل توپ صدا کرد و چون ستاره‌ای پرفروغ در آسمان جنبش کارگری درخشید، سرآغاز نوینی را در تشکلیابی کارگران کلید زد و از این نظر حائز اهمیت بسیار زیادی است. شورای مستقل کارگری، الگوی مناسبی است که به همت کارگران پیشرو و آگاه در کارخانه‌ها و شرکت‌های مشابه می‌توانند ایجاد شوند. این شوراهای نه فقط می‌توانند سازماندهی و پیش‌برنده مبارزات لحظه فعلی و پی‌گیر خواست‌های کنونی و روزمره کارگران باشند، بلکه با اعتلا و گسترش بیشتر جنبش طبقه کارگر، از پس وظایف جدیدی که بی‌شک بسط و تعمیق مبارزه طبقاتی بردوش طبقه کارگر قرار خواهد داد نیز برمی‌آیند. شوراهای مناسب‌ترین شکل تشکل برای اعمال حاکمیت مستقیم کارگران در مقیاس تمام کشور است و بقول کارگر هفت‌تپه «هفت‌تپه نمادی کوچک از ایران است»!

هفت‌تپه نشان داد که تنها با مبارزه متحد و متشکل است که می‌توان سرمایه‌داران و رژیم سیاسی آن‌ها را عقب راند! در برابر کارگرانی که بطور متشکل و یکپارچه به اعتصاب روی آوردند، در برابر اتحاد و همبستگی کارگران و در برابر پیوند و یگانگی میان نمایندگان و توده کارگران، کارفرما و مدیریت و دولت حامی آن‌ها، راه دیگری جز عقب‌نشینی نداشتند و به برگزاری جلسه با نمایندگان کارگران در روز نهم شهریور تن‌دادند. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه نیز همان روز با صدور اطلاعیه‌ای تحت عنوان «اتحاد و همبستگی ما کارگران تنها تضمین پیروزی مبارزات هفت‌تپه است» به روشنی به صفی مرکب از کارفرما و مدیریت و حراست و نیروهای دولتی و امنیتی و انتظامی که در مقابل کارگران هفت‌تپه ایستاده‌اند اشاره نمود و نوشت «در مقابل این صف ضدکارگری تنها می‌توان با اتحاد، یگانگی و همبستگی کارگری مقاومت کرد. در مقابل این صف سرمایه‌داران و زمین‌خواران و مدافعین آن‌ها تنها می‌توانیم بر نیروی متحد خودمان و بر تشکلات مستقل و نمایندگان منتخب‌مان تکیه کنیم. در مقابل صف مدافعین کارفرما تنها می‌توانیم به صف کارگران متحد و متشکل اتکا کنیم.»

شایان ذکر است که تلاش کارفرما و مدیریت و عمال آن‌ها در راستای جداسازی کارگران از سندیکا، ایجاد دودستگی در میان اعضای سندیکا یا هیئت‌مدیره آن، اخیراً به تلاش برای ایجاد اختلاف میان نمایندگان کارگران در شورای مستقل کارگران و نیز ایجاد اختلاف میان آن‌ها با فعالان سندیکا نیز تعمیم یافته‌است. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه در اطلاعیه خود تلاش

کارفرما و عناصر دست‌نشانده مدیریت برای مرعوب‌ساختن و یا رخنه در صفوف کارگران را افشا نمود و نوشت، اجازه ندهیم عوامل کارفرما، عناصر دست‌نشانده مدیریت در صفوف کارگران رخنه کنند، ما را خسته و کلافه و مرعوب سازند و به اتحاد ما ضربه وارد کنند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در پایان اطلاعیه خود بار دیگر بر اتحاد کارگران تاکید نموده و خطاب به آن‌ها، چنین نوشت «از سندیکا و شورای نمایندگان منتخب کارگران در این اعتصاب حمایت کنیم و یکپارچه تا دستیابی به مطالباتمان به این مبارزه ادامه دهیم. نتیجه فوری این اعتصاب هرچه باشد یادمان نرود که با اتحاد و همدلی، تشکل مستقل و خرد جمعی قادر خواهیم شد به پیروزی نهایی برسیم»

اعتصاب متحدانه کارگران هفت‌تپه، استمرار مبارزه تحت هدایت فعالان سندیکای این شرکت و نمایندگان کارگران در شورای مستقل کارگری، سرانجام منجر به برگزاری جلسه‌ای در استانداری خوزستان شد. این جلسه با حضور نمایندگان کارگران، معاونت عالی اقتصاد استاندار، اعضای شورای تامین شوش و کارفرمای شرکت که حدود پنج ساعت به درازا کشید، مقرر شد؛ کلیه حقوق‌های عقب‌افتاده پرسنل شرکت از ۱۲ تا ۱۵ شهریور پرداخت شود، نیروی پیمانکاری حذف و با تمام پرسنل شرکت اعم از پیمانکاری و روزمزد طبق قانون کار، قرارداد یک ساله منعقد شود. تمام مسوولیت اجرایی و تصمیمات شرکت به مهندس مددی واگذار شود. حضور مدیران ضدکارگر، سیامک افشار، مهرداد رستمی چگنی و ایوب اسدی در هفت‌تپه ممنوع و هیچ فعالیتی و سمتی در هفت‌تپه نداشته باشند. تمام پرسنل اخراجی از جمله پرسنل دفع‌آفات و خوراک دام به سرکار بازگردند. کلیه واحدهای تفکیک‌شده شرکت از جمله تاکستان، کارخانه خوراک دام و مزارع ۹۰۰، ۸۰۰، ۷۰۰ یکپارچه زیر نظر شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه باقی بمانند و اعلام شد که فعالیت شرکت‌های نوظهور، شرکت باغ جاوید پارس و شرکت دریای زئوس غیرقانونی است.

پذیرش مجموعه این خواست‌ها، اگرچه تضمین کافی پشت آن نیست، اما در حال چیزی جز پیروزی کارگران هفت‌تپه نیست و البته فقط پیروزی کارگران هفت‌تپه نیست، پیروزی کل کارگران ایران و پیروزی طبقه کارگر ایران است. چراکه هیچ‌کس نمی‌تواند مانع اثرگذاری اعتصاب کارگران هفت‌تپه و مبارزات نمایندگان و شورا و سندیکای این کارگران بر کل کارگران و بر جنبش کارگری ایران شود. این پیروزی اگرچه در حال یک پیروزی نسبی است، اما درس‌ها، تجارب و آموزه‌های آن کل جنبش کارگری را دربر خواهد گرفت.

نکته بسیار مهمی که نباید آن را فراموش کرد این واقعیت است که کارفرما و دولت حامی آن، درحین عقب‌نشینی، برای تهاجم و حمله بعدی نقشه می‌کشند و به سرعت قول و قرارها و وعده‌های خود را زیر پا می‌گذارند. کارگران مبارز هفت‌تپه دست‌کم در طول یک دهه مبارزه بویژه در دوره سه ساله‌ای که این شرکت به بخش خصوصی واگذار شده، بارها و بارها از

نزدیک شاهد وعده‌های تکراری اما توخالی و عدم پایبندی به قول و قرارها از طرف کارفرما و حامیان دولتی آن بوده‌اند و شناخت کافی از آن‌ها بدست آورده‌اند. از این رو این احتمال به هیچ وجه ضعیف نیست که کارفرما با پذیرش بخشی از خواست‌ها و پرداخت قسمتی از طلب کارگران و حقوق‌های عقب‌افتاده، به همان روال قبلی ولو در شکلی پوشیده‌تر و پیچیده‌تر بازگردد. لذا موفقیت و پیروزی اخیر و نسبی کارگران هفت‌تپه، هنوز پایان ماجرا نیست. بنابراین باید اعتصابات بعدی را تدارک دید. باید برای اعتصابات بزرگ‌تر، برای مبارزات حادث‌تر و نبردهای سنگین‌تر آماده شد.

با این همه، هفت‌تپه یک موضوع بسیار مهم را اثبات کرد و نشان داد که اعتصاب حتی در یک واحد، اگر متشکل و یکپارچه باشد، اگر کارگران متحد و همبسته باشند و اگر تشکل مستقل و نمایندگان کارگران آن را سازماندهی و هدایت کنند، می‌تواند قرین پیروزی گردد ولو این پیروزی نسبی باشد.

درس بزرگ اعتصاب اخیر کارگران مبارز هفت‌تپه در یک جمله چنین است: اتحاد و همبستگی کارگری، تشکل مستقل و مبارزه متشکل، ضامن پیروزی است.

نقل از نشریه کار شماره ۷۸۹ نوزده شهریور ۱۳۹۷



کارگر زندانی، آزاد باید گردد!

هواداران سازمان فدائیان (اقلیت)



شکست محتوم تاکتیک‌های طبقه حاکم در قبال مبارزات فولاد و هفت‌تپه

اعتصابات یکپارچه، طولانی مدت و اعتراضات مستمر خیابانی کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت‌تپه، همبستگی و حمایت بسیاری از کارگران، معلمان، دانشجویان و همراهی و همدلی گروه‌هایی از مردم زحمتکش شهرهای شوش و اهواز با کارگران، این واقعیت را نشان داد که بر بستر شرایط سخت و بسیار دشواری که رژیم بر آحاد توده‌های زحمتکش مردم تحمیل نموده است، وقوع عملی اتحاد کارگران و زحمتکشان، تا چه حد بالایی از زمینه عینی برخوردار است. اتحادی که در اشکال اولیه خود تحت رهبری کارگران در خوزستان پدیدار شد و چشم‌اندازی که به روی جامعه و به‌رویی جنبش انقلابی گشوده شد، نقطه عطفی را در تاریخ مبارزات اخیر کارگران و زحمتکشان رقم زد. این توفیق سیاسی طبقه کارگر که چون خورشید در آسمان جنبش کارگری ایران نورافشانی کرد، گرچه هنوز آغاز راه و نمونه کوچکی بود در استان خوزستان، اما پیام‌آور این واقعیت است که چیزی نخواهد گذشت که خوزستان، به‌الگوی کارگران و زحمتکشان در سراسر کشور بدل خواهد شد. این رویداد سیاسی مهم، رژیم جمهوری اسلامی را که در وحشت دائمی از طبقه کارگر و برآمد جنبش کارگری - توده‌ای بوده است، بیش از پیش بیمناک ساخته و به وحشت انداخته است. این در شرایطی است که جمهوری اسلامی در چنگال بحران‌های گوناگون گرفتار است و در ضعیف‌ترین دوران حیات ننگین خود قرار گرفته است. جمهوری اسلامی ناتوانی خود را در زمینه برآورده ساختن نیازهای حیاتی آحاد جامعه باثبات رسانده و به یک عبارت نشان داده است که نه می‌خواهد و نه می‌تواند خواست‌های اساسی کارگران و زحمتکشان را برآورده سازد. جمهوری اسلامی قادر نیست حتی تصمیمات و اقدامات کوتاه مدتی در جهت بهبود نسبی شرایط اقتصادی - اجتماعی و بهبود زندگی فقرآلود اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان اتخاذ نموده و آن را عملی سازد. از این رو برای خاموش کردن صدای کارگرانی که بانگ اعتراض آن‌ها از همه سوشنیده می‌شود و برای ایجاد مانع در مسیر گشایش‌های بیشتر جنبش انقلابی به رهبری طبقه کارگر، به سرکوب باز هم بیشتر روی آورده است.

اعمال قهر و سرکوب و تشدید مداوم آن، مهم‌ترین ابزار حکومت در مقابله با جنبش کارگری و اعتراضات خیابانی است. بازداشت تعداد زیادی از معلمان، دانشجویان، بازداشت مکرر ده‌ها

تن از کارگران فولاد، هپکو و هفت‌تپه گویای همین واقعیت است. بازداشت اسماعیل بخشی نماینده کارگران هفت‌تپه، امنیتی خواندن پرونده وی و اعمال شکنجه‌های وحشیانه علیه این کارگر شجاع و مبارز، همچنین ضرب و شتم و بازداشت علی نجاتی عضو قدیمی هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، نمونه‌ها و نشانه‌های دیگری از همین سیاست است. وقتی که نهادهای امنیتی - اطلاعاتی رژیم از خاموش ساختن صدای اعتراض کارگران هفت‌تپه که چهار هفته است به اعتصاب و اعتراض خیابانی روی آورده‌اند، ناتوان ماندند، وقتی که از منصرف ساختن اسماعیل بخشی از فعالیت کارگری و از میدان بدر بردن او ناامید شدند، برای سرکوب بیشتر کارگران، پروژه امنیتی کردن پرونده اسماعیل بخشی را به میان کشیدند. از یاد نبریم که اسماعیل بخشی پیش از آن، با قمه، مورد حمله مزدوران نقابدار و «ناشناس» قرار گرفته بود. وقتی که کیهان شریعتمداری که ماهیت ارتجاعی - اطلاعاتی آن بر همگان آشکار است از «موج‌سواری» «شبه مارکسیست‌ها و چپ‌نماها» بر متن نارضایتی کارگران سخن به میان آورد و سعی کرد مبارزات کارگران را به «رژیم آل سعود» منتسب کند، این جریده معلوم‌الحال در واقع در هماهنگی با مرکز اطلاعاتی - امنیتی رژیم داشت زمینه‌های این تیپ پرونده‌سازی را که پیش از آن در مورد نویسندگان و شاعران و هنرمندان بکار بسته شده بود، فراهم کند. فقط کیهان شریعتمداری و نهادهای دولتی - امنیتی رژیم نبودند که با «امنیتی» خواندن پرونده اسماعیل بخشی، درصدد پاپوش‌دوزی و پرونده‌سازی علیه این کارگر مدافع منافع هم‌طبقه‌ای‌های خود برآمدند.

اسد بیگی رئیس هیات مدیره کشت و صنعت هفت‌تپه که مقامات رسمی رژیم اعلام کرده بودند بخاطر تخلفات ارزی تحت پیگرد و متواری است، در دو نوار ویدئویی مشخص کرد که نه فقط متواری نیست بلکه با مقامات و مسئولین رسمی حکومتی جلساتی نیز برگزار نموده است. وی با «معاند» خواندن تلویحی فعالان سندیکا و اعضای شورای مستقل کارگران هفت‌تپه، همدستی خود با دستگاه امنیتی در سرکوب کارگران هفت‌تپه را برملا کرد.

حربه سرکوب اما یک حربه زنگ زده است و تجربه سرکوب‌ها طی ۴۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی نشان داده است که با سرکوب و زندان و ارباب و پرونده‌سازی نمی‌توان جلو مبارزات کارگران و رشد آگاهی سیاسی آنان را گرفت.

حربه مهم دیگر رژیم برای خاموش ساختن اعتراضات کارگری و به شکست کشاندن آن، ایجاد نفاق و دو دستگی در میان کارگران است. پس از آن‌که تلاش‌های مستمر نهادهای دولتی - اطلاعاتی رژیم برای نابودی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه با شکست روبرو شد، آن‌ها کوشیده‌اند تا با ایجاد شکاف و اختلاف در میان اعضای هیات مدیره سندیکا، این تشکل مستقل کارگری را که محبوب همه کارگران کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه است، دو شقه و تضعیف سازند. این تلاش اما در پرتو هوشیاری اکثریت اعضای هیات مدیره سندیکا، بجایی نرسید و

در نهایت یکی دو نفر از هیات مدیره کنار رفتند و کوشش مدیریت و حامیان آن برای دو شقه کردن سندیکا خنثا شد. اما این تلاش‌های مذبحخانه در جریان تحولات بعدی در هفت‌تپه و انتخاب نمایندگان بخش‌های مختلف هفت‌تپه نیز ادامه یافت که در اثر آن چند نفر توانستند تحت عنوان نماینده، در جهت انحراف مبارزات کارگران هفت‌تپه تلاش‌هایی به عمل آورند که البته کانال تلگرامی سندیکای کارگران هفت‌تپه اعلام کرد «اگر نیاز باشد اسامی این نفاق‌ورزان» را اعلام خواهد کرد. همین‌ها در غیاب اسماعیل بخشی و بدون اطلاع کارگران و در شرایطی که کارگران اعلام کرده بودند فعلاً مذاکره‌ای در کار نیست، ۵ آذر در فرمانداری شوش با حضور اعضای شورای تامین شهر وارد مذكره شدند و از پی آن، با خواست و سفارش مقامات دولتی و مدیریت، اعلام کردند، تجمع و اعتصاب پایان یافته است. اما این اقدام نفاق‌افکنانه نیز با هوشیاری سایر نمایندگان و اعضای سندیکای کارگران هفت‌تپه به سرعت افشا و خنثا شد. در کانال تلگرام سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه اعلام شد «آن‌هایی که پایان تجمعات را اعلام کردند نماینده ما نیستند» و بر ادامه اعتصاب و تجمع تاکید شد.

یکی دیگر از تاکتیک‌های نفاق‌افکنانه مدیریت و حامیان دولتی آن آوردن پلاکاردها و شعارهای مذهبی و انحرافی و اعزام بسیج دانشجویی و نمایندگان مجلس به میان تجمعات کارگران هفت‌تپه است. از آن جمله است پلاکاردی که عکس خامنه‌ای و قاسم سلیمانی و جمله «امید آخر ما رهبر و سردار ما» بر آن نقش بسته بود. سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه، فعالان و نمایندگان کارگران با انتشار اطلاعیه‌ها و مطالبی در کانال رسمی تلگرام سندیکا، این توطئه را نیز افشا و خنثا کردند. اعلام شد بسیج دانشجویی و نمایندگان مجلس برای منافع و «کاسبی جریانات خودشان» در تجمعات شرکت می‌کنند و از آن‌ها خواسته شد که خودشان را از تجمعات کارگران هفت‌تپه کنار بکشند. همچنین اعلام شد در تجمعات «نه شعار مذهبی، نه شعار ضد مذهبی، نه شعار به نفع این جناح نه شعار به نفع آن جناح» داده نمی‌شود. و تصریح شد که «ما نه عکسی از سردار سلیمانی نیاز داریم نه عکسی علیه سردار سلیمانی». اعتصاب و تجمع کارگران هفت‌تپه با خواست‌های قبلی باضافه خواست آزادی بی‌قیدوشرط اسماعیل بخشی، علی نجاتی و سپیده قلیان ادامه یافته است. حضور جمعی از مقامات دولتی و مسئولین شرکت کشت و صنعت هفت‌تپه در محوطه شرکت و در جمع کارگران و برکناری مدیریت داخلی و تلاش برای در هم‌شکستن اعتصاب در تاریخ دهم آذرماه نیز نتیجه‌ای نبخشید. کارگران هفت‌تپه تاکنون برخواست‌های خود پای فشرده‌اند.

در فولاد اهواز نیز این تلاش‌های مذبحخانه در اشکال دیگری ادامه یافته است. مدیریت شرکت و حامیان آن کوشش‌های زیادی بکار برده‌اند که با ارباب و تهدید و با تطمیع و خریدن نمایندگان کارگران، در میان آن‌ها انشقاق ایجاد کنند و اعتصاب‌شان را با شکست روبرو سازند. این تاکتیک با هوشیاری کارگران فولاد و سخنان آگاه‌گرانه برخی از نمایندگان آن‌ها، فاش و رسوا و

خنثا شده است. مرتضی اکبریان یکی از نمایندگان فولاد اهواز، نقشه‌های پلید مدیریت و حامیان آن برای شکستن صفوف متحد کارگران را فاش و برملا ساخت. وی خطاب به آن‌ها گفت «اشتباه خیلی فاحشی کردید که می‌توانید صفوف ما را بشکنید، ما خریدنی نیستیم، تا رسواتان نکنیم و تا قطع کامل دست مافیا از کف خیابان نمی‌رویم و از خواست‌هایمان دست بر نمی‌داریم».

علاوه بر همه این حربه‌ها و تاکتیک‌ها، کارفرمایان و حامیان آن‌ها در این دو واحد، به‌رغم آن‌که روزها و هفته‌ها از اعتصاب و راهپیمایی کارگران گذشته است کماکان نسبت به کارگران و مطالبات‌شان با بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی برخورد می‌کنند و به عمد و آگاهانه از هرگونه پاسخ مشخص طفره می‌روند. بدان امید که با طولانی‌تر شدن دوره اعتصاب و راهپیمایی‌های روزانه و بی‌نتیجه ماندن آن، کارگران را خسته و فرسوده کنند. کارگران باید به‌هوش باشند و این تاکتیک را نیز خنثا سازند و پیش از آن‌که این فاکتور بخواهد منشا اثرات منفی در اعتصاب و نتایج آن گردد چاره‌اندیشی کنند. حفظ هوشیاری و اتحاد، مشورت فعال با عموم کارگران و محاسبه دقیق موقعیت کارگران در قبال مدیریت و کارفرما، ارزیابی دقیق از حدود و دامنه و احتمال عقب‌نشینی کارفرما، همه از نکات مهمی است که باید مورد توجه نمایندگان کارگران فولاد و هفت‌تپه و سندیکای این شرکت باشد. ادامه یا توقف مشروط و موقت اعتصاب برای تمدید و تجدید قوا و آغاز اعتراض و اعتصاب گسترده‌تر، همه نکات پراهمیتی هستند که تصمیم‌گیری در مورد آن برعهده خود کارگران و نمایندگان‌شان است.

اما علیرغم بازداشت و ارباب و شکنجه نمایندگان کارگران و استفاده از تاکتیک‌های گوناگون برای درهم‌شکستن اعتصاب، اعتصاب و اعتراض در شکل راهپیمایی خیابانی، هم در فولاد اهواز و هم در نیشکر هفت‌تپه ادامه یافته است. اعمال قهر و سرکوب بیشتر علیه نمایندگان کارگران، تلاش‌های مذبحانه برای ایجاد تفرقه و انشقاق در میان کارگران و انحراف مبارزات آن‌ها تاکنون با شکست روبرو شده است. کارگران فولاد و هفت‌تپه نه تنها مرعوب وحشی‌گری‌های رژیم نشده‌اند، بلکه خشمگینانه و با خواست‌ها و شعارهای مشخصی که رادیکال‌تر نیز شده‌اند، به اعتصاب و اعتراض خیابانی ادامه داده‌اند شعار «فولاد هفت‌تپه اتحاد اتحاد» یک لحظه در این دو واحد قطع نشده است. روز یکشنبه یازدهم آذر حضور یکی از نمایندگان کارگران هفت‌تپه در میان کارگران فولاد اهواز و سخن رانی در جمع آن‌ها، استقبال گرم و کارگری از وی، آنگاه سخنان میثم آل مهدی یکی از نمایندگان کارگران فولاد، شور و شوق رزمجویانه را بیش از پیش در میان تمام کارگران دامن زد و فرازهای جدیدی از اتحاد و همبستگی کارگری را گشود. میثم آل مهدی در این استقبال پرشور کارگری از هم طبقه‌ای خود از جمله گفت: تمام کارگران یکی هستند چه هفت‌تپه چه هرجائی باشه کارگری‌ست دردمایکی‌ست و تا این وضعیت باشه و حمایت از سرمایه دار باشه کارگر کف خیابونه. کارگر این قدرت و داره حق شو بگیریه سابقاً حق شو گرفته و باز هم می‌گیره. اون زمانی که کارگر برده بود تموم شد. اون زمانی که روکتف کارگر اهرام

مصررو می ساختند تموم شد. امروز طبقه آگاهی‌ست. امروز قدرتیم امروز چرخه صنعتیم و این راثابت می کنیم و حق مونو می گیریم. دوستان باز داشی ما در هفت تپه باید آژادشوند.» و آخرین جمله وی «زندانی هفت تپه آزاد باید گردد» در فریاد یکپارچه کارگران تکرار شد. افزون بر این شعار و شعارهای پیشین نظیر «ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد، می‌جنگیم می‌جنگیم»، «مرگ بر این دولت مردم فریب»، «سوریه رو رها کن فکری به حال ما کن»، کارگران با شعارهای جدیدی مانند «ما کارگران آهنیم، ریشه ظلم و می‌کنیم»، «صدای هر کارگر مرگ بر ستمگر»، «مردم چرا نشستین اهواز شده فلسطین»، «اسماعیل و گرفتن، ما همه بخشی هستیم»، «کارگر زندانی آزاد باید گردد»، با صفوفی متحد و یکپارچه خیابان‌های شهر شوش و اهواز را به لرزه در آورده‌اند.

این اعتراضات و مطالبات برحق کارگران فولاد و هفت‌تپه، حمایت‌های بخش‌های بیشتری از کارگران، معلمان، دانشجویان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه را در پی داشته است. علاوه بر اعلام همبستگی و حمایت‌های قبلی و نسبتاً گسترده کارگران و تشکل‌ها و فعالان کارگری از کارگران فولاد و هفت‌تپه، این‌بار نیز برخی دیگر از کارگران و کارخانه‌ها از جمله کارگران آریا فولاد، از کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز حمایت کردند. کارگران آریا فولاد بونین‌زهره واقع در استان قزوین در حمایت و همبستگی با کارگران فولاد و هفت‌تپه دست به تجمع زدند و با حمل پلاکاردهای متعدد، همبستگی خود را با کارگران فولاد و هفت‌تپه اعلام کردند و خواستار رسیدگی به خواست‌های آن‌ها شدند. حضور معلمان در میان کارگران، حمایت تشکل‌های صنفی معلمان و فرهنگیان، بازنشستگان، کانون نویسندگان ایران همچنان ادامه دارد. دانشجویان دانشگاه زنجان، نوشیروانی بابل و دانشگاه هنر تهران نیز به صف حامیان فولاد و هفت‌تپه پیوسته‌اند. شعار «فرزند کارگرانیم، کنارتان می‌مانیم» و «کار، نان آزادی، اداره شورایی» به شعار عمومی دانشجویان تبدیل شده است. حضور زنان و خانواده‌ها نیز در صفوف کارگران معترض پررنگ‌تر شده است. زن زحمتکش و رنجیده‌ای که در جمع کارگران فولاد اهواز حضور یافت و با گفتن این‌که حاضر است برای تحقق مطالبات کارگران جان خود را فدا کند، و کارگران فولاد از او به عنوان یک «شیرزن» تجلیل به‌عمل آوردند، در واقع احساس همدردی نزدیک و عمیق همه خانواده‌ها و زنان زحمتکش اهواز را بازتاب داد. افزون بر حمایت‌های داخلی، در سطح بین‌المللی نیز بیش از ۸۰ سندیکا و تشکل کارگری از سراسر جهان با ارسال نامه، از کارگران فولاد و هفت‌تپه حمایت کرده خواستار آزادی فوری و بی‌قیدوشرط اسماعیل بخشی، علی نجاتی، سپیده قلیان و معلمان دربند شده‌اند.

اعتصاب و اعتراض خیابانی در فولاد اهواز و هفت‌تپه ادامه دارد. اعتصاب و راهپیمایی کارگران هفت‌تپه روز یکشنبه یازده آذر چهارمین هفته و اعتصاب فولاد اهواز بیست و سومین روز خود را پشت سر گذاشت. به هر دلیلی که این اعتصاب و اعتراض در لحظه فعلی در این دو واحد

فرو نشیند، دوباره سربلند خواهد کرد. مادام که خواست‌های کارگران برآورده نشده است، اعتصاب و اعتراض و راهپیمایی کارگران این واحدها نیز ادامه خواهد داشت. کارگران فولاد و هفت تپه برای جلب حمایت‌های عملی سایر کارگران باید نمایندگانی را به کارخانه‌ها و واحدهای صنعتی و خدماتی واقع در استان خوزستان و شهرهای جنوبی بویژه پتروشیمی‌ها اعزام کنند. باید از اعتصاب و خواست‌های کارگران فولاد و هفت تپه مجدانه حمایت کنیم. این کارگران نیازمند حمایت‌های عملی بیشتری هستند. از یاد نبریم که حمایت از آن‌ها، حمایت از تمام کارگران و حمایت از جنبش طبقه کارگر است.

نقل از نشریه کار شماره ۸۰۰ دوازدهم آذر ۱۳۹۷



پرچمی که در هفت تپه به اهتزاز درآمد!

اعتصاب و اعتراض خیابانی و شعارهای کارگران هفت‌تپه و فولاد اهواز، بیش از یک ماه است تمام فضای جامعه را به تسخیر خود درآورده است. مبارزات قهرمانانه کارگران و شعارهای آنها، نه تنها یک همبستگی کارگری و طبقاتی کم‌نظیر و بی‌همتایی را در مقیاس تمام کشور رقم زد، بلکه توانست حمایت و همبستگی اقشار وسیعی از زحمتکشان را نیز جلب کند. وقتی که پرچم کار، نان، آزادی و اداره شورایی جامعه، در هفت‌تپه به اهتزاز درآمد و به یک همبستگی و اتحاد مبارزاتی در مقیاس سراسری شکل داد، این در واقع نخستین بار بود که بعد از به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، یک آلترناتیو واقعی و کارگری، نه در تبیینات نظری یا عالم تجرید، که در عالم واقعی و به‌طور مشخص ابراز وجود می‌کرد. پرسشی که سال‌هاست ذهن اپوزیسیون جمهوری اسلامی را به خود مشغول ساخته و این‌که بعد از سرنگونی رژیم حاکم، چه نظم و سیستم و حکومتی جایگزین آن می‌شود و چه مختصاتی خواهد داشت، پاسخ مشخص گرفت. اگر که بسیاری از کارگران از سراسر کشور همبستگی خود را با کارگران هفت‌تپه اعلام کرده و می‌کنند، اگر که سایر زحمتکشان حامی کارگران هفت‌تپه می‌شوند، این بدان خاطر است که تبلور شعارها و خواست‌های خود را در شعار اصلی کارگران هفت‌تپه یعنی کار، نان، آزادی، اداره شورایی جامعه و حاکمیت شوراها می‌بینند. شعاری که در آغاز توسط کارگران هفت‌تپه مطرح و از حمایت معنوی عمومی برخوردار شد، به سرعت در میان سایر کارگران رواج یافت و به شعار عمومی کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است. این هفت‌تپه بود که با استمرار اعتصاب و راهپیمایی‌های شورانگیز و جسورانه خود، این شعار را از سطح کارگران هفت‌تپه فراتر برد و آن را به یک نیروی مادی تبدیل کرد، تا جایی که اکنون خواست و شعار کار، نان، آزادی و اداره شورایی به شعار و خواست میلیون‌ها کارگر و شعار سراسری عموم کارگران و زحمتکشان تبدیل شده است.

هفت‌تپه خوزستان، الگوی سایر کارگران و زحمتکشان و پیشتاز پرولتاریای ایران با طرح جسورانه آلترناتیو شورایی، تمام گروه‌های بورژوا - امپریالیستی و جریان‌هایی از قماش سلطنت‌طلب‌ها، جمهوری‌خواهان و مجاهدین که ادعای آلترناتیو بودن داشتند، بی‌استثنا همه را رسوا و مفتضح ساخت. با برافراشته شدن پرچم کار، نان، آزادی و اداره شورایی در هفت‌تپه

که از دل کارگران جوشیده و سربرآورده بود و اصولیت و انطباق این شعار که در توده‌ای شدن سریع آن انعکاس یافت و جامعه را حول خود بسیج کرد، سکوتی مرگبار آمیخته با خشم و غضب، تمام محافل و گروه‌بندی‌های بورژوازی را که با این ضربه، دچار تشنج شده بودند، فرا گرفت. آلترناتیوی که در هفت‌تپه پا به عرصه حیات نهاد، موجودیت این به اصطلاح آلترناتیوها و آلترناتیوهای دیگری از قماش این‌ها را که هنوز از بهت و حیرت ابراز وجود طبقه کارگر درنیاوده‌اند و بخشا آرزوهای خود را بربادرفته می‌بینند، بی‌معنا ساخت و به کلی از موضوعیت انداخت. هفت‌تپه بساط همه آن‌ها را به هم ریخت. هفت‌تپه نشان داد تنها نیرویی می‌تواند آلترناتیو باشد که استراتژی و تاکتیک‌های مشخص پرولتری و با شعارها و مطالبات مشخصی که در عین حال خواست‌ها و مطالبات سایر زحمتکشان را نیز نمایندگی می‌کند، پا به صحنه مبارزه طبقاتی گذاشته است. این نیرو، جز کارگران و جز طبقه کارگر، نیروی دیگری نیست. این تنها طبقه کارگر است که می‌تواند سایر زحمتکشان را زیر پرچم خود گرد آورد و تمام جامعه را از چنگال فلاکت و بدبختی نجات دهد. تمام راز قدرت بسیج‌کنندگی هفت‌تپه نیز در همین شعارها و مطالباتی نهفته است که عصاره شعارها و مطالبات عموم کارگران و زحمتکشان است.

وقتی کار، نان، آزادی و حاکمیت شوراها بر پرچم کارگران هفت‌تپه نقش بست، وقتی که کارگران و زحمتکشان بر گرد شوراها حلقه زدند و حاکمیت شوراها به عنوان آلترناتیو و حکومت جایگزین اعلام شد، نه فقط راست‌ها و اپوزیسیون بورژوازی رژیم، بلکه آن گروه از به اصطلاح چپ‌هایی که دل در گرو نهادهای بورژوازی و پارلماناریستی دارند، از طرح صریح شعار کار، نان، آزادی، اداره شورایی و حاکمیت شوراها از زبان کارگران به سختی جا خورده و شوکه شدند. همه آن کسانی که طبقه کارگر را دست کم گرفته، رسالت تاریخی این طبقه را آشکار و نهان انکار می‌کنند و به بازی در بساط بورژوازی خو گرفته‌اند و همه آن‌هایی که در ارائه آلترناتیوهای بورژوازی و شیفتگی به نهادهای پارلماناریستی از نمونه مجلس موسسان، دست کمی از گروه‌بندی‌های اصلی بورژوازی ندارند، حیرت زده ماندند که در قبال شعار کار، نان، آزادی و اداره شورایی چه کنند و با آلترناتیو شورایی طبقه کارگر چگونه کنار آیند؟ آلترناتیو شورایی کارگران هفت‌تپه نه فقط بساط تمام گروه‌بندی‌های بورژوازی و آلترناتیوهای‌شان را برچید و دکان‌شان را تخته کرد، بلکه تمام گروه‌بندی‌های سیاسی که در تحلیل‌های خود از اوضاع جامعه، صف‌بندی‌های طبقاتی و نقش و جایگاه طبقات مختلف، طبقه کارگر را طبقه‌ای ناتوان و ناآگاه می‌خواندند و گاه حتی موجودیت این طبقه را انکار می‌کردند یا نادیده می‌گرفتند، مات و مهبوت و رسوا ساخت. هفت‌تپه تکلیف تمام مرددین و میان‌بازانی را که عمری به نشستن میان دو صندلی عادت کرده‌اند روشن و یکسره ساخت. مبارزات قهرمانانه کارگران، شعارها و خواست‌های ساده و روان اما جسورانه و پرولتری هفت‌تپه، راه و خط مشی

صحيح را نشان داده بود و همه اين تپها را به مخصصه انداخت.

اعتراض در فولاد و هفت‌تپه و حمايت از کارگران ادامه دارد. کف شعارها و خواست‌های کارگران ايران، کار، نان، آزادی و اداره شورایی است و اين محصول قهرمانی و مبارزه جسورانه کارگران هفت‌تپه است. هفت‌تپه خوزستان، پيشتاز پرولتاریای ايران، الگوی کارگران و زحمتکشان با طرح آلترناتیو شورایی، در واقع عزم و اراده طبقه کارگر برای تحقق خواست‌های سیاسی و اجتماعی اين طبقه را متجلی ساخت. هفت تپه تلاش طبقات و گرایش‌های بورژوایی و ارتجاعی و غیرکارگری برای مدفون ساختن سیاست‌ها و خطمشی پرولتاری در زیر خرواری از افکار و تبلیغات و اندیشه‌های بورژوایی را خنثا کرد. هفت‌تپه به رنگ‌باختگی ایدئولوژی بورژوایی در درون طبقه کارگر یاری رساند. هفت‌تپه به همگان نشان داد که شوراها و حاکمیت شورایی برخاسته از مبارزات کارگران، متعلق به کارگران و منطبق بر خواست و دیدگاه کارگران است و غیر از آن هر چه هست غیرکارگری و بورژوایی است. هفت‌تپه که خود گردانی از ارتش پرولتاریای ايران است، از طریق اتحاد و همبستگی بیمانندی که در جامعه به آن شکل داد، دورنمای با عظمتی را در برابر تمام جامعه گشود و شایستگی و توانایی طبقه کارگر برای هدایت و رهبری تمام جامعه را به اثبات رساند. هفت‌تپه، بانگ رسای تولیدکنندگان و استثمارشدگان، علیه استثمارگران و طبقه حاکم است. بانگی که در تمام جامعه طنین افکن شد. هفت‌تپه ثابت کرد که اين تنها طبقه کارگر است که ضمن مبارزه علیه طبقه سرمایه‌دار و طرح خواست‌های اخص خویش، پرچمدار مبارزه برای دستیابی به خواست‌های عموم زحمتکشان نیز هست. آنچه که در هفت‌تپه و فولاد رخ داد، عمومیت یافتن مبارزه کارگری از سطح کارخانه به خیابان و حمايت گسترده سایر اقشار زحمتکش از حرکتی بود که اتوریته و رهبر آن کارگران بودند. هفت‌تپه نه فقط اين را ثابت کرد که رهبر انقلابی که قرار است نظم موجود را به زیر کشد، کس دیگری جز طبقه کارگر نیست بلکه اين مهم را نیز مشخص کرد و در خواست‌ها و شعارهای خود به آن صراحت بخشید که آلترناتیو کارگران، چیز دیگری جز اداره شورایی جامعه و حاکمیت شوراها نیست.

مستقل از آن‌که نتایج نهایی اعتصاب و اعتراض خیابانی در هفت‌تپه و فولاد چه خواهد بود، اما پدیده‌ای که از دل مبارزات کارگران هفت‌تپه پدیدار شد، پدیده منحصر به فردی است که جنبش کارگری در چهاردهه حاکمیت ارتجاع اسلامی به خود ندیده است. طرح صریح و جسورانه آلترناتیو شورایی به عنوان جایگزین و آنتی‌تز مستقیم رژیم حاکم، نه در جنبش کارگری و نه در جنبش‌های دیگر در طول ۴۰ سال اخیر سابقه نداشته است. اين آن نکته بسیار پر اهمیتی است که جنبش کارگری را ده‌ها گام به جلو برده است. اين فریاد رهایی‌بخش طبقه کارگر است که از حنجره خوزستان، قلب تپنده فلز و کار و نفت و گاز و صنعت، زادگاه پرولتاریای ايران، در آسمان جامعه طنین انداز شده است. فریادی از اعماق و چنان نافذ که تارهای صوتی تمام اقشار

فرو دست و کل جامعه را به ارتعاش درآورده و بر پیکر نظم پوسیده حاکم، رعشهی مرگ انداخته است. هفت‌تپه (و فولاد) نه فقط قلوب بسیاری از کارگران و زحمتکش‌ان سراسر کشور را تسخیر کرد، بلکه اخگر مبارزه در دل آن‌ها را نیز فروزان ساخت. نام کارگران هفت‌تپه به عنوان پیش‌تازان اداره شورایی جامعه و حاکمیت شوراها در تاریخ جنبش کارگری ایران ثبت و جاودانه شد. پرچمی که در هفت‌تپه به اهتزاز درآمد، موجب افتخار و سرافرازی پرولتاریای ایران است، این پرچم هرگز بر زمین نخواهد افتاد!

نقل از نشریه کار شماره ۸۰۱ نوزده آذر ۱۳۹۷

زنده باد آزادی
زنده باد سوسیالیسم



کارگر
زندانی

آزاد

باید گردد!

هواداران سازمان فدائیان (اقلیت)





<https://fadaian-aghaliyat.org/>
info@fadaian-minority.org/

تهیه و تنظیم : هواداران سازمان فدائیان (اقلیت)